

گفت‌وگویی صبا با کارگردان نمایش ساپو

روایت‌هایی از بکت که به حبس ابد محکوم شدند!



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

سخت‌ترین متن‌هایی بود که نوشتم تجربه سختی که با هر شب بیداری تا صبح تنها می‌توانستم یک پاراگراف از آن را بنویسم. به نظرم خواندن آثار بکت انسان را به جهانی اتصال می‌دهد که وقتی به آنجا می‌رسی، کافکا، سارتر و... همه و همه را در آنجا می‌بینی.

نظریه‌ای از فیلسوف معاصر ژیل دولوز است که مهم‌ترین رسالت امر هنری فارغ از داشتن معنا و مفهوم، تاثیر گذاری است، فکر می‌کنم نمایش ساپو به عنوان یک اثر هنری مدرن از این مسیر مخاطب را با خود همراه کرده است؟

به نکته درستی اشاره کردید، این کاملاً مقوله‌ای است که من چندین بار به دوستان همراه خود در نمایش می‌گفتم.

به نظر من انسان امروزی با دسترسی به انبوهی از اطلاعات نصفه و نیمه در هر مقوله، به نسبت انسان دیروز بسیار آگاه است. اما آنچه که در این تحول رخ داده است کم‌رنگ شدن دل آگاهی است، گویا به مدد اطلاعات سازمان بندی شده ما دیگر با هیچ مقوله‌ای به صورت شهودی و احساسی نزدیک نمی‌شویم. اشراف انسان امروز به پیرامون کاملاً بیرونی و تحمیلی است، در این شرایط دانستنی‌های ما پیوسته و دائمی بر گرفته از سلطه امر دانش است و راهی به درون ندارند. باید تفاوت قائل شد میان خودآگاهی امروزی و دل آگاهی که در انسان دیروز بود. این یکی از مهمترین دغدغه‌های من در نمایش ساپو بود که در مانیفست انتهای پایان نمایش باز گو شد، ضمن آنکه روزه روشن و امید را نیز در کنار همه این مرارت‌ها به تماشاگر نشان می‌داد.

صحبت پایانی:

بدون هیچ تبلیغات و با رایزنی از هشت کشور مختلف (ژاپن، لهستان، کره جنوبی، ایتالیا و...) هشت سفیر با ارتباطاتی که با هم داشتند برای دیدن نمایش ما آمدند به این صورت احتمالاً نمایش ساپو پس از این برای شرکت در جشنواره‌های خارجی بین المللی در دنیا اقدام خواهد کرد. این اتفاق خوب تنها به واسطه کمک دوستانی است که دلم می‌خواهد از آنها در این مقال یاد کنم؛ ابتدا از مادرم برای بودنش و همه عوامل نمایش که در طول یک سال و نیم تمرین سخت، ساپو را بوجود آوردند، مجری طرح آقای داوود نامور، جناب طاهری، مدیریت مجموعه تئاتر شهر و علیرضا سعیدی روابط عمومی، با اجازه همه این بزرگان بنده با احترام این اجرا را تقدیم به روح پدر جانباغ و شهیدم می‌کنم.

داستان مالون می‌میرد را جذاب و خواندنی می‌کند نه طرح داستانی آن (که اساساً فاقد آن است)، بلکه نگرش متفاوت و دگرگون نویسنده به جهان پیرامون خویش و طرح دیدگاه‌های بعضاً فلسفی است. طرح مسائلی از قبیل مفهوم بازی در زندگی، پدیده مرگ و تاثیر شگرف آن بر زندگی و توهم انسان از مرگ یا زندگی و آمیختگی این دو، نگرش متفاوت به زیبایی و زیبایی شناسی، یکنواختی زندگی در جهان مدرن و... هم چنین پرداختن به مفاهیمی چون آزادی، اختیار، عقل و انتخاب، دارایی و مالکیت، حافظه و گذشته، تردید و... است.

داستان های ساموئل بکت خصوصاً رمان مالون می‌میرد، در ابتدا چنان سخت و بیگانه است که حتی خوانش شان را دشوار می‌نماید، با این حساب چگونه توانستید دل از این روایت بدون قصه، نمایشی را بر روی صحنه ببرید که استقبال مخاطب را نیز در پی داشته باشد؟

موقعیت اولیه داستان از یک آدم روانی است با چهار روایت متفاوت که هیچکدام هم به سرانجام نمی‌رسد، بکت در ادامه این روایت‌ها را به قدری در هم پیچیده و غیر قابل فهم می‌کند که خود من هم نتوانستم ادامه دهم و برای مدتی کتاب را کنار گذاشتم. بعد از یک هفته متوجه شدم که اتفاقاً نویسنده همین قصه را داشته است و چه خوب هم موفق می‌شود. این داستان قصه‌های ناتمامی است که بیش از پایان بندی بیانگر رنج انسان در موقعیت‌های کشداری است که راهی از آنها ممکن نیست. مرارت‌های که گاهی با روایت عشق، گاهی با روایت مرگ، سیاست، مالکیت و حکومت در انسان معاصر رسوخ می‌کند. به همین خاطر از ابتدا دغدغه مخاطب را داشتم چرا که می‌دانستم تماشاگر ایرانی عاشق قصه است و روایت ساپو کاملاً ضد قصه عمل می‌کند. در نهایت تصمیم گرفتم به ساختار روایی بدون قصه اثر وفادار بمانم و در کمال تعجب این نمایش با استقبال بسیار خوب تماشاگر مواجه شد. خوشبختانه این اجرا برای مخاطب از حیث تاثیر گذاری موفق عمل کرد، تماشاگری بوده که در سالن از ابتدا تا انتهای نمایش اشک ریخته است و یا تماشاگری که بعد از اجرا عصبانی به من حمله کرد و ادعا کرد زندگی را به سخره گرفته‌ام! اما پس از حمله، بلافاصله مرا در آغوش گرفت و گفت می‌دانم قصدت همین بود رفیق، موفق شدی. برای من جالب بود، حسی که به خودم از خوانش داستان دست داده بود حالا کاملاً برای مخاطب هم قابل لمس شده است. ساپو یکی از

سمیه خاتونی - «شاید بهتر باشد که عطای این داستان را به لقایش ببخشم و به سراغ داستان دوم بروم، یا حتی سوم، داستان سنگ، نه، هیچ فرقی نمی‌کند، نه، هیچ فرقی نخواهد داشت» (بخشی از داستان مالون می‌میرد، اثر ساموئل بکت) عمده دارایی اصلی مالون، دفترچه و مدادهایی است که او در اختیار دارد، ابزاری که با آنها او هر آنچه را که می‌نویسد، مورد تمسخر قرار می‌دهد. نمایش ساپو به نویسندگی و کارگردانی محمد امین سعدی پس از دو دوره اجرای موفق در عمارت نوفل لوشاتو و مجموعه تئاتر شهر به کار خود پایان داد. خبرنگار صبا درباره فرم اجرایی و اهداف دور تری که این نمایش دارد با کارگردان آن گپ و گفتی داشته است که برای مخاطب خواندنی است.

از لحظه‌هایی بگوئید که چندین متن را در غالب یک اجرای نمایشنامه‌ای تنظیم می‌کردید؟

شاکله اولیه این متن نمایش با خوانش رمان مغازه خود کشی آغاز شد. کاراکتری در یکی از قسمت‌های این رمان نظرم را جلب کرد به نام ساپو، وقتی پی این کاراکتر جذاب را گرفتم به رمان مالون می‌میرد اثری از ساموئل بکت رسیدم. با خواندن رمان مالون می‌میرد، نمایشنامه‌ای با موضوع ساپو برایم پدیدار شد.

تا جایی که در یاد دارم، این رمان مشهور فاقد چارچوب داستانی و روایی است...

بله این رمان فاقد قصه است و آنچه که آن را جذاب کرده و به پیش می‌راند، طرح‌هایی پراکنده اما در امتداد هم است. این رمان نگرش نویسنده را به جهان پیرامون و نگرش فلسفی اش را به رویدادها بیان می‌کند. وقتی رویدادها از فیلتر ذهنی ساپو عبور می‌کند، نمایشی از انسانی مدرن را می‌بینیم که مجموعه تضادهایی معاصر او را زمین گیر کرده است. نقطه مرکزی نمایش بر موقعیت‌انتهایی داستان است، آنجا که ساپو تصمیم می‌گیرد همراهان خود را در قایق تفریحی یک به یک از میان ببرد، مرثیه‌ای از مواجهه مرگ و زندگی که ساپو را در مقابل دیگرانی قرار می‌دهد که همواره او را طرد کرده‌اند. در ادامه نویسنده چون روایت‌های پیشین همین کتاب باز تصمیم می‌گیرد که قصه خود را ناتمام رها کند و قصه ساپو بدون هیچ افشای نزد مخاطب برای همیشه پیش خود نویسنده در زندان ذهن او حبس می‌شود. در واقع آنچه



فرهاد قائمیان
وحید رهبانی
مهدی حسینی‌نیا
محمّد نوروزی
امیر نوروزی
نازنین فرراهانی
EXPEDENCY

مصلحت

توسعه و نظارت بر مطبوعات
حسین دارابی
تهیه و تنظیم
محمدرضا شفا

اکران در سینماهای سراسر کشور